

پیرون راندن دولت‌ها از نظام‌های مالی

منبع: مجله بنکر

ترجمه و تلخیص: سید حسین علوی لنگرودی



نقش آفرینی سنتی دولت‌ها در نظام‌های مالی و بانکی در بسیاری از کشورها، موجب شده است که از یک سو، بانک‌ها و مؤسسات مالی به کمک‌های دولتی معتاد شوند و در نتیجه، انگیزه‌ای برای تلاش و نوآوری بیشتر نیابند، و از سوی دیگر، دست دولت‌ها را برای دخالت در فعالیت‌ها و سیاستگذاری‌ها در عرصه‌های گوناگون مالی و بانکی باز گذاشته است که در نتیجه، شاهد اعمال سلیقه‌های سیاسی و جناحی دولت‌ها در بسیاری از کشورها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه هستیم. این وضعیت در مورد آن دسته از بانک‌ها و مؤسسات مالی که بخش عمده سهامشان در اختیار دولت‌ها قرار دارد، بغرنج‌تر و پیچیده‌تر است.

اخیراً، دستوری شدن تصمیم‌گیری‌ها در سطوح بالای مدیریتی و عملیاتی بانک‌ها و ارسال بخشنامه‌های دولتی لازم‌الاجرا برای بانک‌ها در اتحادیه اروپا در دسرساز شده است. براساس دستورالعمل جدید کمیسیون اروپا، چند بانک آلمانی، از جمله کامرز بانک و West L.B. ملزم به خودداری از ورود به برخی از حوزه‌های خدمات‌رسانی بانکی در کشورهایی خاص شده‌اند، حال آنکه حضور در آن بازارها می‌تواند برای این بانک‌ها بسیار پرسود و منفعت باشد، اما چون که این عمل کارمزبانک و West L.B با سیاست دول اروپایی مبنی بر رعایت اصول رقابت‌های برون مرزی منافات دارد، لذا به بانک‌های مذکور دستور داده شده است که طبق میل دولتمردان و سیاستمداران عمل کنند نه براساس منافع و سود خود!

بدیهی است که چنین وضعیت ناخوشایندی، بیش از همه به زبان بانک‌ها و مؤسسات مالی مبتکر و نوآور تمام خواهد شد، چرا که آنها را در قید و بندهای بوروکراتیک و سیاسی حاکم بر نظام‌های مالی گرفتار می‌سازد و فعالیت‌های مالی و بانکی را دچار سیاست زدگی و جناح‌بندی‌های سیاسی می‌نماید.

هم‌اکنون نام‌های بزرگ و معروفی چون بانک مریل لینچ نیز در چنگال دولت‌ها اسیرند. اعمال نفوذ دولت آمریکا در انتخاب مدیر عامل جدید این بانک موجب شده است که بسیاری از کسانی که لیاقت تکیه زدن به این منصب را نداشته‌اند، از این افتخار محروم شوند و از سوی دیگر، کسانی از طرف دولت برای تصدی این مقام پیشنهاد می‌شوند که مورد قبول و تأیید مدیران و کارکنان مریل لینچ نیستند. بازبودن دست دولت آمریکا در اعمال محدودیت‌های

قانونی برای فعالیت بانک‌ها و درخواست انجام یک سری اقدامات در قبال اعطای کمک و تسهیلات دولتی به بانک‌هایی چون مریل لینچ، عرصه فعالیت آزاد را برای آنها تنگ‌تر کرده است، به ویژه پس از آنکه این بانک‌ها به واسطه دریافت کمک‌های چند میلیارد دلاری دولت آمریکا توانسته‌اند از ورشکستگی و سقوط حتمی نجات پیدا کنند.

بانک انگلیسی مشهور لویزبانک نیز وضعیت مشابهی را در بریتانیا تجربه می‌کند و هر روزه بایستی بین عمل به دستورات صادر شده از سوی سازمان پولی انگلستان و کمیسیون اروپایی و منافع خود و سایر سهامداران خود یکی را برگزیند و بعد هم به انتقادهای وارد آمده پس از انتخاب هر کدام از این دو پاسخ گوید.

به دنبال راه فرار

به عقیده بسیاری از کارشناسان، برخی از دولت‌ها نیز که با مشکلات عدیده‌ای چون کسری شدید بودجه مواجه هستند، مایل به کنار کشیدن از سیستم‌های مالی و قطع حمایت‌های خود از بانک‌ها - حتی به رغم کاهش نفوذ و تأثیرگذاری‌شان در نظام‌های بانکی و مالی - می‌باشند. براساس جدیدترین پژوهش صندوق بین‌المللی پول، میزان کل پولی که در بخش مالی و بانکی جهان هزینه می‌شود، بیش از ۷۱۰۰ میلیارد پوند است که چیزی نزدیک به یک پنجم خروجی اقتصاد جهان در هر سال می‌باشد. در ضمن، باید دانست که در این پژوهش IMF، میلیاردها دلاری که هر سال توسط بانک‌های مرکزی و دولت‌ها به بانک‌ها و مؤسسات دچار

آیا فرایند دولت‌زدایی آغاز شده است؟

نقش آفرینی سنتی دولت‌ها در نظام‌های مالی و بانک‌ها از یک سو، بانک‌ها و مؤسسات مالی را به کمک‌های دولتی معتاد کرده و از سوی دیگر، دست دولت‌ها را برای دخالت در فعالیت‌های و سیاستگذاری‌های مالی و بانکی باز گذاشته است.

بحران تزریق می‌شود، لحاظ نشده است.

اگر چه بخش عمده‌ای از کمک‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولت‌ها به سیستم‌های مالی و بانکی پس از مدتی بازپس داده می‌شود، اما در بسیاری موارد نیز سرمایه‌گذاری‌های دولتی در بانک‌ها و تزریق پول به بدنه بانک‌های در معرض ورشکستگی، نه تنها برگشت داده نمی‌شود، بلکه بر وخامت اوضاع بانک‌های دریافت‌کننده کمک و سرمایه می‌افزاید. در چنین شرایطی، خصوصی سازی بانک‌های دولتی و وابسته به دولت، بهترین راه حل ممکن به نظر می‌رسد. به عقیده وزیر دارایی سوئد در زمان وقوع بحران مالی این کشور در سال‌های دهه ۱۹۹۰، دولت‌ها می‌توانند با بیرون کشیدن پای خود از نظام‌های مالی و فراهم آوردن شرایط لازم برای رقابت آزاد و سالم در درون شبکه‌های مالی و بانکی، هم سلامت را به نظام‌های مالی هدیه کنند و هم اعتماد سلب شده سرمایه‌گذاران و سهامداران خصوصی به بانک‌ها و مؤسسات مالی را بازسازی نمایند.

با این حال، باید دانست که خارج ساختن دولت‌ها از نظام‌های مالی و بانکی، هزینه‌های عظیمی دارد و نیازمند سرمایه‌هنگفتی است. خروج سرمایه‌های دولتی از نظام‌های مالی و بانکی، باعث به وجود آمدن خلأ و شکاف سرمایه‌ای در بین بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌شود و برای پر کردن این کمبودها، می‌بایستی دست به دامان بخش خصوصی شد.

پرواضح است که در زمان بروز بحران‌های مالی و اقتصادی، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، محافظه کارتر و محتاطتر می‌شوند و حاضر به سرمایه‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات مالی در معرض خطر و رو به ورشکستگی نیستند. بنابراین، تعیین زمان مناسب برای خروج دولت‌ها از بخش‌های گوناگون مالی، امری کلیدی و حیاتی در فرایند "دولت زدایی از سیستم مالی" به شمار می‌آید. در دوران رونق و شکوفایی سیستم‌های مالی



چه کسی بازارهای مالی را رهبری می‌کند؟

است که سرمایه‌گذاران خصوصی به خریداری سهام دولت در بانک‌ها و مؤسسات مالی روی خوش نشان می‌دهند، چرا که این کار را یک سرمایه‌گذاری مطلوب و پرسود می‌بینند.

راهی طولانی و دشوار

اگر چه خارج شدن دولت‌ها از نظام‌های مالی ملی و بین‌المللی می‌تواند موجب رونق شبکه‌های مالی شود و بانک‌ها را به کارآمدی و بهره‌وری بیشتری برساند، اما باید دانست که نبود پشتوانه دولتی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی، می‌تواند به آسیب‌پذیرتر شدن آنها در مقابله با بحران‌ها و نوسانات مالی و اعتباری، به ویژه در دوران رکود اقتصادی منتهی شود. بنابراین، دولت‌هایی که تصمیم به کناره‌گیری از نظام‌های مالی گرفته‌اند، بایستی تمهیدات لازم جهت افزایش ضریب اطمینان و استحکام در بین فعالان دنیای پول و سرمایه را فراهم آورند. سالم سازی شبکه بانکی از طریق اعمال نظارت و کنترل‌های ویژه، شفاف سازی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از طریق پیاده کردن اصول مندرج در عهدنامه باسل ۲ و انجام اصلاحات در سیستم مالیات پردازی بانک‌ها، از جمله راهکارهای پیش‌رو جهت بسترسازی برای خروج دولت‌ها از نظام‌های مالی به شمار می‌آیند. دست‌اندرکاران و سیاستگذاران مستقل در نظام‌های پولی و سرمایه‌ای نیز باید به نوبه خود دست به کار شوند و با تقویت روحیه رقابتی در میان فعالان بانکی، شرایطی را به وجود آورند که بانک‌ها و مؤسسات مالی مستقل بتوانند روی پای خود بایستند و بدون دریافت کمک از دولت، حتی در سخت‌ترین شرایط مالی و اقتصادی، قادر باشند بر مشکلات فایق آیند و به حیات توأم با سودآوری خود ادامه دهند.



دولت‌ها می‌توانند با بیرون کشیدن پای خود از نظام‌های مالی، هم سلامت را به نظام‌های مالی هدیه کنند و هم اعتماد سلب شده سرمایه‌گذاران و سهامداران خصوصی به بانک‌ها و مؤسسات را بازسازی نمایند.